پیدایش رمان فارسی

روح بخشان، ع

BALAY, Christophe. La genèse du roman persan moderne. Paris-Téhéran, IFRI, 1998, 497p., bibliogr., index.

درباره چگونگیِ تکوین داستان‏نویسیِ فارسی و تحول آن این نظر غالب رواج دارد که این نوعِ ادبی در ایران، پس از آشنا شدنِ ایرانیان با تمدن اروپایی و گسترش دامنه حشر و نشر آنان با اروپائیان و ترجمه آثار فرنگی به فارسی که همه از ره‏آوردهای نیمه دوم قرن نوزدهم بوده است، پیدا شده و رواج یافته است. صرف نظراز میزان دقت و متانت این رأی، باید گفت که اصطلاح رُمان (roman )، به این معنی، در قرن هفدهم در اروپا رایج شده است.

در واقع، در غرب، چند قرن پیش از آن که رمان معنای امروزی را پیدا کند، به معنای «اثر رَوایی منظوم یا منثور به زبان رومیایی/رُمان» بوده است. در قرون وُسطی داستان شهسوارانه`` (از نوع همان داستان‏های عیّاری فارسی» نمونه رایج و مطلوب آن شمرده می‏شد. در قرن شانزدهم رابله(1) و سروانتس(2) آن را به معنای کمابیش امروزی به کار بردند که در قرن هفدهم جا افتاد. سرانجام، در قرن نوزدهم، رُمان چه از نظر شمارِ آثار و چه از لحاظ زبان و ساختار، به اوج شکوفایی رسید. از این رو، قرن نوزدهم را دوره خاصی در تاریخِ داستان‏نویسی در اروپا و مبدأ و اشاعه آن در نقاط دیگر جهان می‏شناسند؛ چنان که تلقی نویسنده پیدایش رُمان فارسی نیز همین است.

در حقیقت، این قول که نوعِ ادبی داستان و شیوه داستان‏نویسی بر اثر توسعه ارتباط ایران و اروپا در زبان فارسی پیدا شده است نه تنها مورد قبول و تأیید نویسنده است بلکه اساس پژوهش او بر این رأی استوار است که داستان‏نویسی به شیوه امروزی در کشورهای عربی، ترکیه، ایران و هندوستان کمابیش هم‏زمان در اواخر نیمه دوم قرن نوزدهم باب شده است.

چون این رأی را پذیرفتیم، باید به سراغ موجبات و مقدماتِ پیدایش رُمان در زبان فارسی برویم ـ زمینه‏هایی چون استفاده از صنعت چاپ و تأسیس مطبوعات در ایران و ترجمه از زبان‏های اروپایی به فارسی که دوره‏هایی را پشت سر گذاشته است. بررسی این مقدمات و نقش «مقدمه»هایی که مترجمان بر آثار ترجمه شده می‏نگاشته‏اند رئوس مطالب بخشِ اول کتاب با عنوان «تحولات ادبی» را تشکیل می‏دهند و ورود به بخش دوم را تدارک می‏کنند. بخش دوم، با عنوان «رمان در پایان قرن نوزدهم»، شامل چند تحقیق مستقلِ مفصل است در باب امیرارسلان، کتاب احمد (نوشته طالبوف) و سیاحتنامه ابراهیم‏بیگ که، در هر مورد، محتوای متن، تکوین داستان، مضمون‏ها، و منابع بررسی شده و به تحلیل ساختاری داستان پرداخته شده است.

داستان فارسیِ امروزی، یعنی موضوع اصلیِ کتاب، در بخش سوم مطرح می‏شود. در واقع، این بخش به بررسی «رمان در آغاز قرن بیستم» اختصاص دارد و ضمن آن، در چند فصل مجزا، داستان‏های معروف فارسی تحلیل شده‏اند، از جمله شمس و طُغرا، عشق و سلطنت، دام‏گستران، لازیکا، دلیرانِ تنگستان، تهرانِ مخوف، هما، پریچهر، زیبا، جنایات بشر یا آدم‏فروشانِ قرن بیستم، دارالمجانین، دسیسه. در هر مورد، «تحلیل ساختاری، طرح و تفسیرِ» داستان ارائه شده است. نویسنده به گرایش ملی‏گرایی و جست و جوی اساطیر کهن در داستان‏نویسی و وجه اجتماعی آن توجه کرده و به هر یک از این مطالب مبحثی اختصاص داده و از نظر شکل و ساختار به سطوح داستان، راویان، محل وقوع ماجرا، و انواع زمان و شخصیت‏ها توجه نموده است.

کتاب با فهرست نسخه‏های خطیِ بی‏تاریخ و تاریخ‏دار، فهرست اسامی مترجمان در سه دوره از آغاز تا سال 1319 شمسی، کتاب‏نامه، و فهرست اعلام تکمیل می‏شود.

\* \* \*

در این تحقیق جدّی و مفصل و نسبتا جامع، داستان کوتاه، که مقوله‏ای جداگانه است، وارد نشده و فقط به داستان بلند پرداخته شده و الحق در این زمینه استقصای تمام به کار رفته و کمتر نکته‏ای از قلم افتاده است. مؤلف، که دست‏پرورده استاد شارل ـ هانری دوفوشه‏کورِ معروف است، نشان می‏دهد که بر موضوع تحقیق خود اِشراف کامل دارد و در آن کاملاً متبحر است. خواننده، پس از مطالعه این کتابِ پرمایه هم اطلاعات تازه کسب می‏کند و هم امکان می‏یابد که به داستان و داستان‏نویسی از زاویه دیگری بنگرد. در واقع، مؤلف ضمن بررسیِ تحلیلی، ساختاری و محتوایی داستان‏های فارسی به نکاتی جالب توجه کرده که حاکی است از اُنس و آشناییِ دیرین و عمیق او با موضوعِ تحقیق.

مؤلف، در بسیاری از موارد، مستخرجاتی از اصلِ فارسیِ داستان‏ها را همراه با ترجمه فرانسویِ آنها نقل کرده و شواهد مطلوبی برای بررسیِ تطبیقیِ ترجمه فراهم آورده است.

خصیصه اصلی اثر، یعنی بی‏سابقه بودن در مطالعه جامعِ داستان فارسیِ امروزی، کم‏بودهای تصادفی در تألیف را قابل اغماض می‏سازد ـ کم‏بودهایی چون از قلم افتادنِ رُمانِ ناصرالدین شاه یا منتسب به او که به قولی اولین رمان امروزیِ فارسی است، یا بی‏توجهی به منابع تحقیقی فارسی یعنی پژوهش‏هایی که ایرانیان در زمینه «صد سال داستان‏نویسی» در ایران انجام داده‏اند، یا سَهو در ذکر چند تاریخ، یا اشتباه در ترجمه پاره‏هایی از فارسی به فرانسه یا مسامحاتی در اختیار معادل‏های مناسب برای اصطلاحات فارسی.

نکته دیگر مربوط است به عنوان فارسی کتاب. یکی از کارهای شایسته انجمن ایران‏شناسی فرانسه در مورد عناوین مجموعه «گنجینه نوشته‏های ایرانی» (تا کنون 52 عنوان) این بوده است که برای هر اثر عنوانی فارسی معمولاً معادل عنوان فرانسه بر می‏گزیند و حتی صورت فارسی شده مندرجاتِ کتاب را به دست می‏دهد؛ و این کاری شایسته و ستودنی است. اما معمولاً در اختیار عنوان فارسی و در ترجمه فهرست مندرجات دقت کافی نمی‏شود؛ مثلاً معادلِ فارسیِ مناسب کتاب حاضر «تکوین رُمان [داستان ] امروزیِ فارسی» است نه پیدایش رُمان فارسی، زیرا که پیدایش امری است مقطعی و بی‏دنباله، بر خلاف تکوین که امری است تدریجی و مقرون به استمرار.